

## کاهی بر تارهای "مویی به ریسمان تصحیح چند بیت از شاهنامه"

دکتر محمد فاضلی\*

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

(تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱، تاریخ تصویب: ۸۹/۸/۱۱)

### چکیده

گفتاری که در پیش روست نقد و بررسی مقاله‌ای است تحت عنوان:

"مویی به ریسمان تصحیح چند بیت از شاهنامه"

این نقد و بررسی دور دو محور می‌چرخد: یکی، زدودن غبار ره از

تارهای موی سخن که "قلم" آن را در پیچ و خمهای سفر کوتاهش به بار

آورده است، و تبیین و توضیح ابهاماتی در این زمینه.

دیگری، به نقد کشیدن معیارهای تصحیح متون کهن و ارائه

پیشنهادی در این راستا.

واژه‌های کلیدی:

"بس"، "از"، "آشیب"، "شکل پرستی"، "نامأنوس"، "کهنگی".

\* ۰۹۱۵۳۱۱۷۹۷۱

مدتی پیش شماره‌ای از مجلهٔ وزین "پاژ" به دستم رسید که شمارهٔ ۴ آن رابه تکریم پژوهشگری نستوه و سنگین و شیفتهٔ "شاهنامه" اختصاص داده بود، تحت عنوان "جشن نامه دکتر جلال خالقی مطلق" این عمل، از جهات ذیل تحسین مرا برانگیخت و برای دست اندرکاران آن "مریزاد دست" را بر زبان آوردم:

(۱) شمارهٔ مورد نظر از مجموعه مقالاتی فراهم آمده بود مستقیم یا غیرمستقیم شخصیتی را گرمی و ارجمند می‌داشت که نزدیک به چهل سال دربارهٔ "باستان نامهٔ حماسی بی‌نظیر ملی - تاریخی دینی ایرانی" به غور و تفحص پرداخته تا متنی اصیل و منقح از آن هویت نامهٔ ایرانی ارائه دهد، آن هم در دیار غربت با تلاش شبانه روزی توأم با عشق و دقت و تواضع.

(۲) این شماره، در برگیرندهٔ مقالاتی ارزشمند، سودمند و دلپذیر و خواندنی از استادان، پژوهشگران و دوستان دور و نزدیک خلف صالح فردوسی بود.

(۳) شمارهٔ ۴ پاژ، اطلاعات دقیق و خوب را از زندگی، تحصیلات، کارهای علمی پژوهشی و افتخارات این سفیر علمی فرهنگی ایرانی ارائه می‌کرد.

(۴) حرارت صدق دوستان این سفیر، و گیرایی خامه‌شان در مواردی مرا بران داشت به قول عربها: "أَلْقَى دَلْوًا فِي الدَّلَاءِ" (دلویی به چاه زخم) هر چند دیر شده بود، اما برای یادی کوچک از دکتر خالقی شاید دست‌آویزی به شمار آید.

(۵) از مقالات خوب شمارهٔ مورد بحث، آنهایی بودند که در زمینهٔ تصحیح اشعاری از شاهنامه برآمده، و در کنار کار سترگ "خالقی مطلق" قلم رانده بودند. از آن جمله نوشتهٔ دکتر "یاحقی" که از سر تواضع مقالهٔ خود را "مویی به ریسمان تصحیح چند بیت از شاهنامه" نام نهاده‌اند. از آن جا که این "مو" از ژولیدگی و غبار ره برکنار نبود، این جانب به منظور زدودن گرد و پیراستن آن مو، به نوشتن مطالب ذیل تحت عنوان "گاهی بر تارهای مویی... مبادرت ورزید":

از جملهٔ ابیاتی از شاهنامه که نویسندهٔ "مو" به تصحیح آن در برابرچاپ مسکو و خالقی می‌پردازد و شکل دیگری را پیشنهاد می‌کند و تفسیر ابوالفتوح رازی تصحیح خود و دکتر "ناصر" را دستمایه قرار می‌دهد؛ این موارد است:

## مورد اول :

ز هفتاد برنگذرد بر کسی از این دور چرخ آزموده بسی

(ابوالفتوح، ۱۳۶۹: ج ۱۶/ ۱۲۲)

نویسنده محترم در تأیید گزینش متن شعر چنین استدلال می‌کند: «این بیت در توضیح آیه ۳۷ سوره فاطر "آمده است که: "اولم نُعَمَّرُکُمْ مَا یَتَذَكَّرُ فِیْهِ" و تبیین سن شصت و هفتاد به عنوان سن متعارف آدمیان به استناد حدیثی از رسول اکرم که: "أعمارُ أمتی ما بین السّین الی سبعین" بدون ذکر نام شاعر با این بیان که: ... و شاعر از این جا گفت همانا:

ز هفتاد الخ...

این بیت در چاپ مسکو (۲۴۰/۵) و خالقی (۱۷۵/۴) هر دو به این صورت ضبط شده است:

ز هفتاد برنگذرد بس کسی ز دوران چرخ آزمودم بسی

که تفاوت "بس" به جای "بر" در مصرع نخست و "از این دور" به جای "ز دوران" و "آزموده" به جای "آزمودم" در مصرع دوم، قابل ذکر است. با توجه به این که نسخه اساس "ابوالفتوح" در این بخش مورخ ۵۵۶ و قریب ۵۸ سال از نسخه "فلورانس" کهنه‌تر است، می‌توان ضبط نهایی این بیت را به صورتی که در "ابوالفتوح" آمده پیشنهاد کرد:

ز هفتاد برنگذرد بر کسی از این دور چرخ آزموده بسی

(پاژ، ۴، ۱۳۸۷: صص ۶۲-۶۳)

بامراجعه به نفس مأخذ نویسنده مقاله: (ابوالفتوح، ج ۱۶/ ۱۲۲) و تطبیق نقل قولهای آمده در (پاژ، ۴، صص ۶۲-۶۳) با آن، نکته‌هایی در ذهن خواننده بدین شرح جان می‌گیرد:

۱- برخلاف ادعای نویسنده "مویی..." "ضبط ابوالفتوح" در مصرع اول "بس" است نه "بر" و خواننده در شگفت می‌ماند که "بر" از کجا آمده در حالی که حتی در شمار نسخه بدلهای هم ذکری از آن نرفته است.

۲- در متن "تفسیر ابوالفتوح" کلمه مورد بحث به طور قطع "بس" است نه "بر" زیرا در همین تفسیر در یک سطر بالاتر، در ترجمه حدیث "اعمار امتی... " چنین می‌خوانیم: «عمرهای امت من میان شصت و هفتاد باشد، و از هفتاد بس کس نگذرد. و شاعر پارسی از این جا گفت همانا: ...» بنابراین به نظر می‌رسد "ابوالفتوح" تتمه ترجمه را از بیت مورد بحث گرفته باشد.

۳- نمی‌دانم چرا نویسنده محترم از آوردن تمامی حدیث و ترجمه‌اش که راه‌گشای تصحیح مصراع اول است، چشم پوشیده.

۴- بیت فردوسی در ارتباط با آیه نیست، بلکه در راستای حدیث است و تکرار محتوای آن، زیرا سخن "ابوالفتوح" که بلافاصله پس از ترجمه حدیث همی گوید: " و شاعر پارسی از این جا گفت" ناظر به سخن رسول اکرم (ص) است. بعید نیست که مصراع اول فردوسی ملهم از حدیث باشد و ترجمه واری برای آن، و در این صورت، ترجمه "ابوالفتوح" و مصراع اول "فردوسی" هر دو منطبق برهم‌اند، و از روح محتوای حدیث که گذرنده شخص است، نه زمان، پیروی می‌کنند.

۵- از نظر دستوری به ضبط‌های بیت می‌نگریم: در ضبط پیشنهادی نویسنده " پاژ " فاعل "برنگذرد" ظاهراً " بسی " در مصرع دوم است که متوجه زمان و سالیان و دوران می‌شود، و نظم عادی عبارت در این صورت چنین خواهد شد: هفتاد بر نگذرد بسی از این دور چرخ آزموده، بر کسی.

اما در ضبط عینی و واقعی بیت در تفسیر "ابوالفتوح" و چاپ‌های مسکو و خالقی، فاعل فعل " برنگذرد" " بس کسی " است که شخص باشد نه زمان و دوران، و در این صورت هر سه نسخه در انطباق کامل با تتمه‌ی متن حدیث: " و اقلهم مَن یجوز ذلک " می‌باشند، که در آن فاعل فعل " یجوز" - می‌گذرد- ضمیر " اقلهم" " یا" مَن " است، و " ابوالفتوح" خود چنان که گفته آمد ترجمه " از هفتاد بس کس بر نگذرد" را برمی‌گزیند.

#### مورد دوم:

فریدون فرخ فرشته نبود زمشک و از عنبر سرشته نبود

است، که نویسنده مقاله درباره آن چنین می‌گوید:

" این بیت ذیل آیه و لا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ (نساء / ۱۰۴) در تأیید بیت عربی:

الْقَوْمُ امْثَالُكُمْ لَهُمْ شَعْرٌ فِي الرَّاسِ لَا يُنْشَرُونَ اِنْ قُتِلُوا

بدون ذکر نام شاعر آمده است.

در چاپ مسکو (۲۵۲/۱) جزء ملحقات با تفاوت ضبط "وز" به جای "واز" در مصرع دوم و در چاپ خالقی (۸۵/۱) با همان ضبط مشابه مسکو در متن آمده است، با این توضیح که نویسه "واز" در هیچ یک از نسخه بدل‌های خالقی و مسکو هم دیده نمی‌شود.

نسخه اساس این بخش از تفسیر "ابوالفتوح" در سال ۵۹۵ یعنی ۱۹ سال پیش از نسخه فلورانس کتابت شده و بنابراین به اصالت و ضبط آن می‌توان بیشتر اعتماد کرد و تا نسخه برتر و کهن‌تری پیدا نشده است، ضبط "ابوالفتوح" را در این مورد بر سایر ضبطها مرجح دانست. " (پاز، ۴، ۱۳۸۷: ص ۶۲)

با تأمل در آنچه گفته آمد و مراجعه به مستندات مقاله، مباحث و مسائلی پیش می‌آید که شایسته نقد و بررسی است، از جمله:

۱- نویسنده مقاله در این مورد، باز در ارتباط بین شواهد و محل و مقصد آنها، راه تسامح رفته است. زیرا ابیات عربی و فارسی با "و لا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ" ارتباط تنگاتنگ ندارد؛ بلکه آنها پیوندشان با بخشی است که در متن بدان تصریح نرفته، یعنی: "ان تَكُونُوا تَالْمُونَ فَانَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ" (نساء / ۱۰۴) از این روی "ابوالفتوح" بلافاصله پس از توضیح و ترجمه این قسمت چنین ادامه می‌دهد: "این بر طریق مثل است چنانکه شاعر گفت:

الْقَوْمُ امْثَالُكُمْ لَهُمْ شَعْرٌ ...

و مثله بالفارسیه:

فریدون فرخ فرشته نبود ... (ابوالفتوح، ۱۳۶۹: ج ۶ / ۹۷)

۲- چنانکه گفته آمد نویسنده مقاله کتابت نسخه اساس "این بخش از تفسیر "ابوالفتح" را سال ۵۹۵ به حساب می‌آورد، درحالی شخص وی در مقدمه همین تفسیر (صص ۷-۸) نسخه اساس را چنین معرفی می‌کند: "نسخه" مج" مورخ ۲۵ صفر ۱۰۵۸

که به عنوان اساس در این مجلد از آن سود برده‌ایم. این دست‌نویس به شماره ۱۶۳۸۷ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و به خط شخصی به نام "غلام‌علی" کتابت شده است. بخش‌هایی از این دست‌نویس از روی نسخه قدیم‌تر از تاریخ ۶۰۵ و بخش‌های دیگر آن از روی نسخه‌ای با تاریخ ۹۹۹، رونویس شده است. بنابراین داشته‌هایی که در پایان همین جلد آمده است قاضی "نورالله شوشتری" صاحب "مجالس المؤمنین" هم توفیق یافته است در رجب سال ۱۰۰۰ در شهر "لاهور" آن را مطالعه و مقابله کند.

نص این مقدمه نشان می‌دهد که کتابت نسخه اساس به صورت مستقیم سال "۱۰۵۸" است و به صورت غیرمستقیم قدیم‌تر از ۶۰۵، نه ۵۹۵. از سوی دیگر مطالعه دقیق تصویر صفحه آخر نسخه اساس، اقیه‌های تازه در برابر پژوهشگر می‌گشاید که حاکی از تساهل در مسائل پژوهشی است، از آن جمله:

یکی، تاریخ کتابت اصل اول (غیرمستقیم) نسخه اساس است که به گونه واضح و روشن، روز چهارشنبه نهم شعبان سال (۵۱۶) می‌باشد، نه ۵۹۵ و نه ۶۰۵ و نه قدیم‌تر. دیگر تساهل، تاریخ کتابت اصل دوم (مستقیم) نسخه اساس است که آن هم روز جمعه ۱۷ رجب سال ۱۰۵۷ می‌باشد، نه ۲۵ صفر ۱۰۵۸.

(ابوالفتوح، ۱۳۶۹، تصویر صفحه آخر اساس: ۶/ A)

سه دیگر، ظاهراً کاتب نسخه اساس مورخ ۱۰۵۷ از نظر علمی، شخصی پر مایه نیست و آخرین سطر دست‌نویس وی گویای این ادعا می‌باشد که چنین می‌نویسد:

"کتبه الحقییر غلام علی من یوم الجمعه فی التاریخ سبع عشر رجب سنه الف و خمسون وسیع." این کوتاه عبارت عربی که در پیش‌رو است حدود هفت غلط دارد، اکنون آیا می‌توان به نویسه چنین کسی به عنوان نسخه اساس تنها به بهانه کهنگی متوسل شد، و شکل نویسی وی را در واژه‌ها حجت آورد؟ و بی‌مایگی او را با توسل به حجاب کهنگی به قوت تبدیل کرد؟

چهار دیگر، ترجیح دادن "واز" بر "وز" در مصرع دوم بیت مورد بحث:

ز مشک و از عنبر سرشته نبود

محل تامل است، زیرا وزن بیت "بحر متقارب" و اجزای مصراع اولش "فعولن فعولن فعولن" می‌باشد و حرف "ا" در "واز" در احتمالات ذهنی قابل تطبیق با

اجزای وزنی بیت، به تلفظ در نمی‌آید و حضور آن در کنار حرف عطف "واو" در خواندن چنین سرنوشتی پیدا می‌کند "ز مشک" (و: ز) عنبر سرشته نبود" یعنی: حرف "عطف" ساکن، "ا" حذف و "ز" متحرک، و اجزای هر دو مصراع با هم برابر و برهم منطبق می‌شوند. بنابراین نسخه بدل "واز" تنها ریشه در شکل نگارش دارد نه جنبه‌های لفظی و معنوی. از این گذشته از کجا معلوم پیش نهاد نسخه تفسیر "ابوالفتوح" برآمده از شیوه نگارش کاتب کم مایه سال ۱۰۵۷ است، یا به سالهای پیش از آن و حتی خود "ابوالفتوح" بر می‌گردد؟

از سوی دیگر "مشک" و "عنبر" در مصراع دوم به کمک حرف عطف: "و" قرینه هم قرار گرفته‌اند و چنانچه بین آنها تناسب و هم صدایی بدون آسیب زدگی لفظی و معنوی لحاظ شود که "معطوف" و "معطوف علیه" هر دو با حرف "ز" آغاز گردند، شاید به شیوه فردوسی در تعقیب ایجاد تجانس و هماهنگی کلمات در موارد مشابه نزدیک‌تر باشد.

#### مورد سوم:

از ابیات پیشنهادی مقاله "پاژ" مستندبه تفسیر "ابوالفتوح" در برابر چاپ مسکو (۵/۱۹۶) و خالقی صورت ذیل است:

چنین است گیتی بر آشیب و شیب پس هر فرازی نهاده نشیب

(ابوالفتوح، ۱۳۶۹: ۱۲۵/۱۸)

نویسنده مقاله یادآور می‌شود که ضبط بیت فوق در چاپ مسکو و "خالقی" به ترتیب چنین آمده است:

چنین است کار جهان فریب پس هر فرازی نهاده نشیب

چنین است گیهان آسب سبب پس هر فرازی نهاده نشیب

و دیگر نسخه بدلها در مصراع اول: بر آسب و سبب، سبب و شیب، آسب و سبب، می‌باشد. آن‌گاه وی چنین ادامه می‌دهد: "دهخدا ذیل کلمه "آشیب و شیب" آورده است: (این صورت در بیت ذیل به ضبط بعضی نسخ شاهنامه آمده است و در بعضی دیگر "آسب" با سین مهمله به جای "آشیب" دارد و معنی آن ظاهراً رنج و تعب و

مانند آن باشد) و بعد هم بیت مورد نظر را برابر ضبط ابوالفتوح داده است. "سپس دکتر یاحقی در ارتباط با ترکیب "برآشیب و شیب" پرسشهای زیر را مطرح می‌کند:

" آیا می‌توان آشیب را ترکیبی از (پیشوند کهن ضد ساز آهو = آ + هو) دانست یعنی آ + شیب ؟ "

و در نتیجه "آشیب" را "فراز و بلندی" ضد نشیب معنا کرد و در آن صورت "بر" بهتر از "پر" نخواهد بود؟ وی در پایان این پرسشها گزینش و پیشنهاد صورت بیت "ابوالفتوح" را چنین عذر می‌نهد:

" به هر حال تا صورت کهن تری پیدا نشده است می‌توان بیت مورد نظر را با توجه به نسخه بدل‌های خالقی بر اساس "ابوالفتوح" ... پذیرفت " (پاژ ۴، ۱۳۸۷: صص ۶۴-۶۳)

تصحیح پیشنهادی مورد سوم از ابیات شاهنامه هم تایید این جانب را در پی دارد، هم نقدش. تأیید نه به استناد عذر نویسنده مقاله؛ بلکه به خاطر نزدیکی بیشتر کلمات ابوالفتوحی - در مقایسه با سایر نسخه بدلها - به سبک و شیوه "فردوسی" در لحاظ کردن تجانس و هم نوایی در بین کلمات آهنگین و نجیب مصراعها و در عین حال خالی از ابهام و تکلف. دیگر اینکه دهخدا تصریح دارد "آ" علامت سلب و نفی است و "آهو" را به عنوان مثال منفی در انبوهی از شعر شعرای مختلف چون فردوسی و اسدی، حدود یک صفحه می‌آورد، از جمله:

ولیکن نیند کس "آهوی" خویش ترا روشن آید همی خوی خویش

(فردوسی)

هنرها ز بخت بد "آهو" بود ز بخت آوران زشت نیکو بود

(اسدی)

چنان که ملاحظه می‌شود "آهو" در این ابیات به معنی عیب و نقص به کار رفته است و این مفهوم محصول ترکیب کلمه از دو جزء "آ" مساوی "نه" و "هو" است که از اضداد می‌باشد و معنی خوب و بد هر دو را می‌دهد، ولی در ابیات فردوسی و اسدی به تنهایی در کنار "آ" معنی "خوب" افاده می‌کند که به وسیله آن منفی می‌شود.



اما نقد؛ یکی - اینکه بیت مورد نظر که گویا تنها بیت فارسی درون متنی تفسیر " ابوالفتوح " مجلد ۱۸ است، نه در صفحه ۱۲۵ وجود خارجی دارد، و نه در سایر صفحات آن.

دیگر - اینکه نویسنده مقاله در پیشنهاد ترجیح صورت بیت اخیر ابوالفتوحی، مطابق شیوه خود مسأله کهنگی و قدمت را پیش می‌کشد که موضوعیت ندارد و منتفی است، زیرا کتابت نسخه اساس مجلد ۱۸ که با رمز "ما" مشخص گردیده - به تصریح خود مصححانش که نویسنده محترم مقاله یکی از آنان می‌باشد - در حدود قرن ۱۰ صورت گرفته است. (مقدمه مجلد ۸/۱۸) و از انتساب استنساخ آن به نسخ قدیم‌تر از نسخه " فلورانس " یا میانه تر سخنی از جانب مصححان تفسیر " ابوالفتوح " نرفته.

سه دیگر - اینکه دکتر یاحقی در پایان نتیجه گیری خود از ترکیب پیشنهادی " آشیب و شیب " ناگهان می‌افزاید: " و در آن صورت بر بهتر از پُر نخواهد بود؟ " خواننده از خود می‌پرسد " پُر " در کجا ذکر شده، و در کجا از آن سخن به میان آمده است تا " بر " از آن بهتر باشد؟ زیرا در متن مقاله " پاژ ۴ " و صور مختلف "بیت مورد خلاف" خبری از کلمه " پُر " نیست. تنها خبر از آن در پایان مجلد ۱۸ در فهرست اشعار - که محصول تلاش مصححان می‌باشد - به بیت درون متنی " ابوالفتوح " صفحه ۱۲۵ با این ضبط:

" چنین است گیتی پر آشیب و شیب "

اشاره رفته است، و آن هم چنانکه قبلا یادآور شدیم در صفحات مجلد مزبور یافت نمی‌شود.

نکته آخر در ارتباط با همین مسأله، نویسنده مقاله برای ترجیح " بر " بر " پُر " دلیلی ارائه نمی‌دهد و پیشنهاد را بدون توجیه عرضه می‌دارد و خواننده را در انتظار رها می‌کند. این جانب نیز " بر " را برتر از " پُر " می‌نهد و این برتری را از این زاویه‌ها می‌بیند:

اولاً) در فرق بین " بر " و " پُر " می‌توان گفت: ما قبل و ما بعد " بر " یکی پایه و اساس است و دیگری روی ساخت و بر آمده از آن، بدیهی است دومی در هر حال تابع اولی می‌باشد و از آن جان می‌گیرد. اما " پُر " ما قبل و ما بعد خود را تبدیل به ظرف و

مظروف می‌کند، و قضیه در این مورد برعکس، زیرا "ظرف" از مظروف جان نمی‌گیرد و ما بعد "پر" انهدام ما قبل را به دنبال ندارد. بنابراین "بر" در ترکیب خود نوعی وحدت و همبستگی را بین ماقبل و ما بعدش به وجود می‌آورد و از نظر معنی قوت بیشتر (مثبت یا منفی) ایجاد می‌کند و تجانس بین آنها را الهام می‌بخشد که گویا گیتی جز "آشیب و شیب" نیست، بر خلاف "پر" که از چنین مزیتی برخوردار نمی‌باشد. ثانیاً) نسخه‌های چاپ مسکو و خالقی از نظر معنی در جهت "بر" قرار دارند، زیرا در اولی جانشین ترکیب مورد بحث "جهان فریب" است، یعنی: بر آمده از نیرنگ و ساخته و پرداخته آن؛ و در دومی این جانشین، عبارت "گیتی آسیب سیب" که از معانی "سیب" در این جا می‌توان دهش و بخشش، یا مسیر و مجرای آب را در نظر گرفت. (دهخدا: آشیب) بنابراین محصول معنوی نسخه خالقی "گیتی آسیب سیرت" است، که تداعی بخش "ساخته و پرداخته آسیب" یا عجین شده با آن می‌باشد. ثالثاً) ضبط بیت مورد بحث در دهخدا برخلاف ادعای نویسنده مقاله برابر با ضبط "ابوالفتوح" نیست، بلکه نص مصراع اول آن بدین صورت است: "چنین است گیتی پر آشوب و شیب"

#### مورد چهارم:

از ابیات پیشنهادی "پاژ" مبتنی بر غیر از "تفسیر ابوالفتوح" بیت ذیل است:

چنین است رسم سرای سپنچ گهی ناز و نعمت بود گاه رنج

(پاژ ۴، ۱۳۸۷: ۶۷)

نویسنده مقاله "پاژ" در توجیه پیشنهاد خود یادآور می‌شود که بی ت فوق در

نسخه مسکو (۱۳۸/۲)

به صورت زیر:

چنین است رسم سرای سپنچ گهی ناز و نوش و گهی درد و رنج

و در چاپ "خالقی" به این شکل:

چنین است رسم سرای سپنچ همه از پی آز و رزند رنج

ضبط گردیده است، که اختلاف در مصراع دوم چشمگیر باشد. آن گاه وی گزینش خود را چنین عذر می‌نهد: "چنانکه ملاحظه می‌شود اختلاف بر سر مصراع دوم است، و به ظاهر چنان می‌نماید که ضبط "خالقی" نامأنوس تر و در نتیجه اصیل تر است، اما از ضبط به ظاهر جدید شرح کلیله، که در نسخه بدل‌های خالقی هم مشابه آن نیامده، به دلیل کهنگی کتاب نمی‌توان چشم پوشید." (پاژ، ۴، ۱۳۸۷: ۶۷)

در هر صورت، خواننده انتظار دارد چنانکه ضبط "خالقی" چنگی به دل زند آن را عذری موجّه نهند و گرنه به حال خود رها کنند. این جانب ضبط "دکتر خالقی" را ترجیح می‌دهد، اما نه به "نامأنوسی" آن دل می‌بندد؛ و نه به "کهنگی" دیگر نسخه‌ها پناه می‌برد، زیرا هر دو را ناکارآمد می‌بیند. بنابراین شایسته است به "متغیر" دیگر و مرجّحی بهتر اندیشد، که آن در این جا عبارت است از هماهنگی بیت مورد بحث با فضای سخن، همبستگی با سیاق مطلب، و همنوایی با ابیات پیشین خود.

اکنون با در نظر گرفتن این معیار، یادآور می‌شود که فرزانه توس از سرتوانمندی و هنرمندی، چه بسا "معنی واحدی" را با ظرافتهای خاص در قالبهای مختلف می‌نهد و در عبارتهای زیبا می‌پروراند و هر کدام رادرجای مناسب خود به کار می‌گیرد، از جمله: شکوه از گردش روزگار که متلون است و ناپایدار و وابستگی را نشاید. وی این معنی را در شاهنامه بارها تکرار می‌کند، و هر بار آن را لباسی می‌پوشاند زینبندۀ محفلی که در آن پای می‌نهد. برخی از این تکرارها در چاپ "مسکو" از این قرار است:

چنین است رسم سرای سپنج گهی ناز و نوش و گهی درد و رنج

(۱۳۸/۲)

چنین بود تا بود گردان سپهر که با نوش زهر است، با جنگ مهر

(۱۴۲/۲)

چنین است رسم سرای سپنج یکی زو تن آسان و دیگر به رنج

(۱۶۸/۲)

چنان که ملاحظه می‌شود اولین بیت از این تعبیرها در موضوع خاص و صفحه مربوطه، مورد مناقشه شاهنامه پژوهان است و به معیارهایی چون "نامأنوسی" و "کهنگی" در ترجیح نسخه بدل‌های همان بیت روی آورده‌اند که به باور این جانب،

سستی این توجیحات مصداق " و اِنْ اَوْهَنْ اَلْبَيْوتِ لَبَيْتُ العنكبوت " (عنكبوت/۴۱) را دارد. زیرا معیار " نامأنوسی " غالباً بر قامت " غلطها و خطاها " راست تر آید، و " کهنگی " هم چنانچه با دست نامحرم آلوده گردد حرمت و اعتبار را نشاید. اما با در نظر گرفتن معیار " هماهنگی و همنوایی " با فضای سخن و سیاق مطلب: " که گم شد ز پالیز سرو سهی " و تخت ملک ایران از صاحب کلاهش خالی، و " کاوس " در بند شاه " هاماوران " گرفتار آمد، و از هر سوی دشمنان به طمع تصاحب تخت و کلاه و ملک ایران روی آوردند:

ز ترکان و از دشت نیزه وران ز هر سو بیامد سپاهی گران

(۱۳۸/۲)

آشوب و جنگ قدرت ایران را فرا گرفت " شد آرام گیتی پر از جنگ و جوش " جدال و جنگ به طمع رسیدن به کلاه به طول انجامید و ماهها به درازا کشید، چنانکه فردوسی در بیت قبل از شعر محل مناقشه یادآور می‌شود:

به جنگ اندرون بود لشکر سه ماه بدادند سرها ز بهر کلاه

و تأمل در آنچه گفته آمد، روشن و مشخص می‌گردد که مناسب ترین بیت به عنوان " تالی تلو " و همنشین بیت بالا، همان است که در نسخه " دکتر خالقی " ضبط شده یعنی:

چنین است رسم سرای سپنج همه از پی آز و رزند رنج

### سخن آخر:

آنچه تاکنون از نقد و تأمل در این گفتار ملاحظه شد غالباً در ارتباط با " تصحیح متون " بود که حکایت از آن داشت: تصحیح متون ادبی یا علمی بر جای مانده از روزگاران پیش در غیاب صاحب اثر، کاری فنی و هنری و علمی، دشوار و سخت است، نیازمند به کار بستن عوامل متعدد توأم با دقت و تأمل، و بذل وقت و عمر. تساهل و تسامح در نادیده گرفتن زاید ره، مصحح را با مشکل روبرو می‌کند و ره کعبه را به

ندانم‌آباد می‌کشاند. از این رو تمسک به دستاویزهای مبهم یا متغیرهای مطلق ذیل، چه بسا ناکارآمد از آب درآمد :

(۱) شکل پرستی نوشتاری موجود در نسخه‌ها، آن هم در مورد اجزای خاص از واژه‌ها که غالباً در نظام جمله به تلفظ در نمی‌آیند، از قبیل کلماتی آغازیده با حرف "ا" مانند: "است" یا "از" در عبارتهای زیر:

"ز نام و نشان و گمان برتر است" و "ز مشک و از عنبر سرشته نبود"

که حرف "ا" در موارد مشخص شده به تلفظ در نمی‌آید، و لحاظ کردن تلفظ آن هم وزن "ابیات" را با اشکال روبرو می‌کند. بنابراین چنانچه صورت نوشتاری این موارد در نسخه‌ای توأم با حرف محذوف باشد، نمی‌توان آن را نشان اصالت به حساب آورد و قراءت چنین نسخه‌ای را مرجح دانست. از سوی دیگر حضور یا غیبت چنین اجزایی تأثیری در معنی کلام ندارد، و بیشتر به عملکرد و شیوه نگارش و سلیقه نسخه نویسان برمی‌گردد تا پدید آورنده اثر، به خصوص در روزگاری که آیین نگارش شیوه‌ای دقیق و کامل و متبع نداشته است تا کاتبان ملزم به رعایت آن باشند.

و در آخر، شاید سخنی به گزاف نباشد که گفته شود: غور در شکل پرستی برای متون کهن در موارد یاد شده چندان جنبه فنی ندارد، زیرا در صور مختلف آن نه محتوا آسیب می‌بیند و نه لفظ.

۲- متغیر "نامأنوس تر" یا "نامأنوس" به صورت مطلق، به عنوان معیار ترجیح عبارتی بر عبارت دیگر در تصحیح نسخه بدلها در حقیقت خود معیاری نامأنوس است. زیرا معمول و متداول در به‌کارگیری معیار مورد بحث، تمیز و تشخیص "خطا" است و شناسایی سخنان نامتعارف و سست و فرو نهادن آن؛ نه اینکه نشان تعبیرهای قوی و استوار به حساب آید چنان که در عبارت آتی از مقاله "مویی... مشاهده می‌شود:" و به ظاهر چنان می‌نماید که ضبط "خالقی" نامأنوس تر و در نتیجه اصیل تر است. (پاژ ۴/۶۷)

۳- کهنگی و قدمت نسخه به صورت مطلق، به بهانه نزدیکی و ارتباط با صاحب اثر. زیرا تمسک بدان از جهاتی محل تأمل است :

الف) اینکه ممکن است نسخه اساس به صورت مستقیم نویسه آفریننده اثر نباشد، یا از روی چنین نسخه‌ای استنساخ نکرده باشند.

ب) بر فرض اخیر، ممکن است استنساخ توسط نا اهل صورت گرفته باشد.  
ج) شاید کهنگی و دیرینگی نسخه یا انتساب به صاحب اثر، محرز نباشد؛ و مسأله به جعلیات و حیلۀ نسخه فروشان برگردد. به عنوان مثال می‌توان به جلد ششم "تفسیر ابوالفتوح" اشاره کرد:

در ذیل صفحه آخر نسخه اساس این مجلد- که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، و مصححان آن را رمز "مج" داده‌اند- مطالبی متنوع و پراکنده با خطوطی گاهی متفاوت و دیگر گاه متشابه که عموماً از "خطا" در امان نیستند، بدین صورت آمده :

(۱) کاتب خود را "غلام علی" و تاریخ کتابت را "روز جمعه" ۱۷ ماه "رجب" سال "۱۰۵۹" معرفی می‌کند.

(۲) در حاشیۀ سمت راستِ پایانِ متنِ همان صفحه با خطی فارسی و محتوای عربی، یادآوری شده که شخصی به نام محمدبن حیدر در تاریخ ۷۵۶ به نسخه مراجعه کرده است (!). و در ذیل همین حاشیه باز شخصی دیگر با خط فارسی و محتوای عربی تذکر داده که از نسخه هم استفاده کرده است و هم نسخه برداری، و خود و تاریخ کتابت را چنین معرفی می‌نماید: "محسن بن رضی الدین"، محرم ۸۹۱ (!).

(۳) در حاشیۀ سمت چپِ پایانِ متن صفحه، با خطی نسبتاً زیبای عربی آمده که نوشته کاتب این مجلد از روی نسخه‌ای به تاریخ روز چهارشنبه "۹ شعبان" سال "۶۱۵" هجری توسط شخصی به نام "ابوعبدالله حسین بن محمد" معروف به "حاجی" صورت گرفته است.

باز- ظاهراً- با همان خط خوب عربی، ذیل پایانی صفحه آخر مجلد ۶، وسط حواشی راست و چپ چنین آمده؛ شخصی به نام "ابوعبدالله بن علی" نسخه را از اول تا آخر در تاریخ "محرم ۶۰۶" رو نویسی کرده است. اما کدام نسخه؟ و از روی چه نسخه‌ای؟ در حاشیه مسکوت مانده است.

باز با همین خط در سمت چپ- پایان بخش حواشی- از زبان "قاضی نورالله شوشتری" آمده که وی در سال ۱۰۰۰ در شهر "لاهور" حدود سه ماه به مقابله این نسخه (؟) پرداخته است.

از سوی دیگر در همین صفحه، ذیل همه حواشی با خط چاپی، شماره نگهداری نسخه اساس رمزدار "مج"، عدد ۱۶۳۷۸ معرفی شده است. آنچه گفته شد مختصات نسخه "اساس" شماره (۱)- یا به عبارت دیگر نسخه "مج" - بود که بار حواشی مبهم و درهم بر آن سنگینی می‌کرد، باری که به تعبیر قرآنی "لَتَنوُّ بِالْعَصْبَةِ". (القصص/۷۶)

جالب‌تر از همه اینها، تصویر صفحه آخر نسخه کتابخانه ملی است که تحت شماره (۳) و رمز "مت" در شمار نسخه‌های معتمد و محل استفاده مصححان تفسیر ابوالفتوح قرار گرفته است. تصویر این صفحه در شیوه خط، شکل حواشی، تعداد آنها، محتوا، لغزشها و تاریخها، منطبق بر صفحه آخر نسخه اساس است، تنها تفاوت موجود بین آنها مربوط به تاریخ کتابت نسخه کتابخانه ملی است که ۲۴ شعبان سال ۱۰۶۹ آمده. اما در مورد شخص نویسنده باور این جانب، آن است همان "غلام علی" کاتب نسخه اساس باشد، زیرا آغاز مطلب در هر دو نسخه عبارت "کتبه الحقیق الفقیر" است که پس از آن بلافاصله در نسخه "مت" بر اسم نویسنده "مهر" زده‌اند و در نتیجه زیر پرده‌ای سیاه دفن گردیده، ولی دنباله حرف "م" کلمه "غلام" که در هر دو نسخه به این شکل "س" کتابت شده از زیر "مهر" بر آمده، و فریاد "و اذالموؤودة سُئِلَتْ بای دَنْبِ قُتِلَتْ": (تکویر/۸) را ظاهراً از دست نسخه فروشان حيله‌گر سر می‌دهد.

نا به سامانی‌ها و پریشانی‌های به بار آمده در صفحات اخیر نسخه‌ها باعث شده تا مصححان "ابوالفتوح" نیز از لغزش در امان نمانند، از آن جمله: اولین لغزش، عدم توجه به انطباق دو صفحه اخیر در نسخه‌های "مج" و "مت" است.

دومین لغزش، معرفی کاتب نسخه شماره ۳ "مت" است به عنوان "عبدالحسین بن محمد... متخلص به حاجی" در حالی که چنین عنوانی گویا متعلق به کاتب نسخه مورخ چهارشنبه نهم شعبان سال ۶۱۵ هجری است و بس.

سومین لغزش، معرفی تاریخ نسخه "اساس" یعنی "مج" به عنوان ۲۵ صفر سال ۱۰۵۸ هجری است، در حالی که صحیح آن روز جمعه ۱۷ رجب سال ۱۰۵۷ می‌باشد.

چهارمین لغزش، معرفی سال "۶۰۵" به عنوان تاریخ نسخه قدیم‌تری که نسخه اساس از روی آن استنساخ شده، در حالی که گویا صحیح این تاریخ سال ۶۱۵ است، پنجمین لغزش، تفاوت شماره نگهداری نسخه اساس "مجلد ۶" در کتابخانه مجلس است، این شماره در صفحه اول مقدمه مصححان عدد ۱۶۳۸۷ آمده و در انتهای صفحه "۹" که همان تصویر صفحه آخر است عدد ۱۶۳۷۸. (ر. مقدمه: صص ۱-۹)

د) از موارد محل تامل، چنگ انداختن به کهنگی نسخه به عنوان معیار تصحیح متون، اینکه مسأله تصحیح همه وقت، خود متن آفریده صاحب اثر نیست؛ بلکه گاه عبارات و اشعاری از دیگران است که مؤلف در اثر خود به کار می‌گیرد، طبیعی است این موارد زمینه‌های مختلف داشته باشند که تخصص‌های خاص را بطلبند و حجیت مؤلف را بالا و پایین ببرند و یا به تردید بکشانند. بنابراین حتی در صورت دستیابی به خود دست نویس مؤلف، نمی‌توان به حجیت این نویسه در حق کلیه مطالبش یکسان نگریست. زیرا ممکن است وی نیز چون دیگران گرفتار تساهل قلمی شده باشد، و توان تخصصی علمی او در این زمینه فرق کند.

از این روی این جانب با احترام به جلالت شأن "ابوالفتوح" - که از اعلام علمای تفسیر و کلام است، و خاندان و قبیله وی همه از افاضل علما و محدثین روزگار خویش بوده‌اند؛ و نیز به عنوان عالم و واعظ و مفسر، و دیگر گاه به عنوان قُدوة المفسرین از وی یاد کرده‌اند. (دهخدا: ابوالفتوح) - بر این باور است دانش وی در همه زمینه‌ها یکسان نیست، و توان علمی وی در شعر و ادبیات فروتر از علم تفسیر و کلامش قرار می‌گیرد، و حتی توان مندیش در شعر فارسی نسبت به عربی کم‌تراست؛ بهره‌گیری وسیع او از شعر عربی که قابل قیاس با شعر فارسی نیست می‌تواند دستاویز این باور به حساب آید.

باز بر این باورم چه بسا این "قُدوة مفسرین" در بهره‌گیری از اشعار تفسیرش، بر حافظه و ذوق تکیه کند تا مراجعه به دواوین و اسناد مربوطه، زیرا ممکن است دیوان در دسترس نباشد، یا دیوان در دسترس اعتماد را نشاید، و یا اینکه روایت‌های مختلف در اختیار نباشد تا بهترین انتخاب صورت گیرد.



فهرست منابع

- قرآن مجید
- ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۹، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، به کوشش دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر مهدی ناصح، چاپ و انتشارات آستان قدس
- فردوسی، شاهنامه چاپ مسکو، بی تا، ج ۲.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، "مویی به ریسمان تصحیح چند بیت از شاهنامه" فصلنامه پاژ ۴ (جشن نامه دکتر جلال خالقی مطلق) زمستان.